نشریه بین المللی علوم مهندسی دانشگاه علم وصنعت ایران
ویژه‌نامه مهندسی معماری و شهرسازی، جلد ۱۹، شماره ۶، سال ۱۳۸۷، صفحه ۸۲-۷۳

PROMOTION OF ENVIRONMENTAL SECURITY AND REDUCTION OF URBAN CRIMES WITH EMPHASIS ON CPTED APPROACH

M.R. Pourjafar — *Associate Prof. Tarbiat Modares university, pourja_m@modares.ac.ir*

H. Mahmodinegad — *PhD Scholar, Tarbiat Modares university hadi_mahmoudi_nejad@modares.ac.ir*

M. Rafieian & M. Ansari — *Associate Prof. Tarbiat Modares university Rafiei_m@Modares.ac.ir*

Abstract: *Nowadays, the citizen's security and the ways of promoting it have been considered as a priority of urban designer. This promotion of urban security, have good and beneficial aspects on cultural and social traces and relics that relate to citizen's behavioral pattern that enhance the quality of residential environment through reduction of urban crime and violence. This paper introduces the role of urban fabric and physical aspect of it, and makes clear the principles, paradigms and strategies of CPTED approach. The necessity of this approach relates to this manifest: nowadays, the potentials of urban fabric and physical aspect have been not considered in reduction of urban crimes that enhance the quality of life and urban satisfaction. The methodology of this research is analytical and documental research method. The results of research show that, the commission of crime and violence can be reduced by using practical urban design criteria. The paper also emphases on practical strategies and guide lines for implementation plan in our contemporary urban environment.*

ارتقاء امنیت محیطی و کاهش جرائم شهری با تاکید بر رویکرد C.P.T.E.D

محمدرضا پورجعفر، هادی محمودی‌نژاد، مجتبی رفیعیان و مجتبی انصاری

چکیده: امروزه توجه به مفهوم امنیت شهروندان و روشهای ارتقاء آن، به عنوان یکی از اولویت های اساسی حرفه مندان و تئوری پردازان شهری تبدیل شده است. جدای از اثرات اجتماعی و فرهنگی ناشی از برنامه ریزی و طراحی محیط‌های امن شهری بر الگوهای رفتار شهروندی و بهبود کیفیت محیطی نواحی سکونتی، تبیین ویژگیها و اثرات مترتّب بر نقش کالبدی شهر بر کاهش جرایم شهری و یا کاستن از وقوع جرم، موضوع مستقل و بااهمیتی است که در قالب تئوری‌های نوین شهرسازی بدان اشاره می‌شود. در مقاله حاضر پس از ذکر مقدّمه‌ای بر انگیزه‌ها و ضرورت‌های نظری در حوزه امنیت عمومی شهری، به نقش کالبدی شهر **(برنامه‌ریزی و طراحی شهری)** در کاهش و پیشگیری از جرایم شهری در رویکرد CPTED اشاره می‌شود و مفاهیم، اصول، پارادایمها و استراتژی‌های این رویکرد به اختصار مورد اشاره قرار می‌گیرد. این امر از آن جهت دارای اهمیت است که امروزه در فرایندهای طراحی فضاهای شهری کمتر به پتانسیل‌های بالقوه مناطق شهر و ساختمانها در کاهش یا جلوگیری از جرائم توجه می‌شود. رویکرد حاضر را می توان طراحی کارآمد و بهینه محیط مصنوع در کاهش جرائم شهری قلمداد کرد که در بهبود کیفیت زندگی و افزایش رضایتمندی

تاریخ وصول: ۸۶/۴/۱۰
تاریخ تصویب: ۸۷/۴/۲۳

دکتر محمدرضا پورجعفر، دانشیار، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس. pourja_m@modares.ac.ir
هادی محمودی نژاد، دانشجوی دکترای تخصصی معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس.hadi_mahmoudi_nejad@modares.ac.ir
دکتر مجتبی رفیعیان ، استادیار، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، Rafiei_m@Modares.ac.ir
دکتر مجتبی انصاری، دانشیار، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس،Ansari_m@Modares.ac.ir

[Downloaded from ijiepm.iust.ac.ir on 2026-09-18]

شهروندی تاثیر بسزایی دارد. روش تحقیق پژوهش حاضر تحلیلی و اسنادی است که به تبیین محتوایی و مکانیسم کارایی این رویکرد در محیط‌های شهری کنونی ما توجه خواهد کرد. نتایج پژوهش حاضر بر پایه اسناد تحلیلی و تجارب کاربردی، نشان از آن دارد که می‌توان بر این نکته تاکید کرد که از طریق طراحی شهری از میزان وقوع جرایم شهری کاسته می‌شود که در مقاله حاضر در قالب راهکارهای اجرایی و راهبردی مورد اشاره قرار گرفته است.

واژه‌های کلیدی: طراحی شهری، کاهش جرائم شهری، نظارت اجتماعی، کنترل دسترسی،CPTED.

۱. مقدمه

رویکرد CPTED (پیشگیری از جرایم با استفاده از طراحی محیطی) را می‌توان نوعی رویکرد هدفمند در جهت طراحی کارآمد و هوشمندانه مولفه‌های محیطی با بکارگیری بهینه محیط مصنوع در کاهش جرائم دانست که بطور موثری در افزایش سرمایه اجتماعی، بهبود کیفیت زندگی و افزایش میزان رضایتمندی شهروندی و در نتیجه بهبود رفاه اجتماعی جامعه تاثیر بسزایی دارد. بر این موضوع اتفاق نظر جمعی وجود دارد که رویکرد CPTED در دو بعد کاهش حقیقی جرائم در محیط‌های شهری از یکسو و افزایش احساس ایمنی و امنیت فضایی در آنها می‌تواند موثر واقع شود [۵]. توجه به این رویکرد را در دهه اخیر، می توان ناشی از بحران های ناشی از وقوع جرایم گسترده در فضاهای عمومی و نیمه عمومی شهری دانست که علی رغم هزینه کرد منابع مالی گسترده، نتایج مورد انتظاری را برای مدیران شهری به ارمغان نیاورد [۶]. جدای از هزینه های مالی عدم پایداری شیوه های بکار گرفته شده و همچنین عدم حضور موثر گروه های شهروندی در ارتقاء جنبه های نظارتی محیطی، به انضمام ناکارآمدی الگوهای طراحی فضا، به گونه ای بود که در نتایج حاصل از مداخلات کالبدی بتدریج به عنوان یک الزام در فرایند طراحی وارد گردید. دو محقق کانادایی "وکرل و وایتزمن"رویکرد شهرهای امن را با تأکید بر مدیریت و پیشگیری جرائم، پیشنهاد کردند. این رویکرد بر همکاری بین دولت‌ها و شهروندان به ویژه با تاکید بر گروه‌های منزوی و در حاشیه قرار گرفته، پیشگیری اجتماعی و تغییرات فیزیکی موثر بر امنیت شهری توجه می‌نماید. وکرل و وایتزمن برای افزایش ایمنی و امنیت در فضای شهری سه عامل را بیان می‌کنند:

۱) آگاهی از محیط.
۲) قابلیت مشاهده توسط دیگران.
۳) دسترسی سهل به کمک در صورت نیاز.

یکپارچه نمودن این مولفه های طراحی و برنامه‌ریزی، ایمنی و امنیت را با ارائه فرصت‌هایی برای رهایی از الگوهای مؤثر جرم افزایش می‌دهد [۷]. در شهر امن، ایمنی در فضای شهری تأمین شده و فرد در شهر احساس امنیت خاطر و فقدان خطر می‌کند. در واقع پایه بحث شهر ایمن بیشتر بر روی مسائلی متمرکز است که میزان خطرات را به حداقل برساند. بر همین اساس هرگونه اقدام مداخلاتی در کالبد شهر نیز باید با توجه به راهبردهای این رویکرد صورت گیرد.

رویکردهای جدید طراحی محیطی بر این نکته تاکید دارند که با توجه به ساختار کالبدی فضاهای شهری و تدوین و اعمال ضوابط ویژه در آنها، می توان به میزان گسترده ای از ارتکاب جرائم شهری جلوگیری کرد [۸]که این امر از طریق کاهش ظرفیت بالقوه طبیعی مناطق شهر در جرم خیزی و یا امکان دهی به وقوع جرم، امکان تحقق می یابد. بر این اساس در این مقاله به تعاریف، مبانی، مفاهیم و راهبرد های این رویکرد اشاره شده و در انتها به ارایه راهکارهای اجرایی و اصول قابل تعمیم در محیط های شهری کشور پرداخته خواهد شد. ضرورت تحقیق حاضر را می توان در این مهم خلاصه کرد که امروزه کمتر به ظرفیت بالقوه مناطق شهری در کاهش و یا جلوگیری از جرائم دقت می شود. بر این اساس است که باید طراح شهر یا معمار، در فرایند طراحی و جایگزینی فضایی چه در مقیاس شهری یا در حد پلان ساختمان، به این نکته توجه داشته باشد که از طراحی فضا بدان گونه که امکان نظارت عمومی را کاهش می‌دهد و یا نحوه دسترسی به مناطق جرم خیز را افزایش می دهد، جلوگیری بعمل آورند. تعمیم و توسعه بکارگیری این رویکرد در شهرسازی، نشان از توانمندی بالای این روش در ارتقا سطح امنیت و در عین حال کارامدی نتایج در حوزه مداخلات شهری دارد که بر این اساس ضروری بنظر می‌رسد تا در انطباق با معیارها و ضوابطی که در گذشته شهرسازی سنتی ایران کاربرد داشته است، اقداماتی صورت گیرد تا بتوان با اتصاف شهر به صفت امنیت از افزایش میزان جرائم شهری در محیط‌های شهری تا حد امکان جلوگیری بعمل آورد [۹] و یا حداقل آن را کاهش داد و شهری ایمن را برای شهروندان فراهم آورد. اهمیت این امر از آن جهت است که بایستی در رویکردهای جدید شهرسازی مولفه امنیت شهری مورد توجه قرار گیرد تا امکان تحقق شهری ایمن فراهم شود[۱۰].

روش تحقیق نیز دارای رویکردی تحلیلی و اسنادی است که با بهره‌گیری از منابع موجود به بررسی و بازنگری این رویکرد می‌پردازد و پس از بیان پیشینه تاریخی آن در معماری و شهرسازی سنتی به ارایه راهکارهایی در ابعاد سیاست گذاری و اجرایی پرداخته می‌شود. ابزار جمع آوری اطلاعات، مراحل و منابع بکار رفته در پژوهش حاضر شامل بررسی، مطالعه کتب و مقالات لاتین موجود در زمینه تحقیق،

[Downloaded from ijiepm.iust.ac.ir on 2026-09-18]

و درخواست، ارسال و مکاتبه مدارک و مقالات لاتین از اندیشمندان این زمینه و در عین حال مطالعه و بررسی سایتهای اینترنتی در ارتباط با موضوع مانند سایت بانک جهانی (W.B) و طرحهای تحقیقاتی مرتبط در کشورهای جهان مانند آفریقای جنوبی (C.S.I.R) [۱۱] و در نهایت، بررسی، مطالعه و بازنگری سایتهای اینترنتی دولتهای محلی / شهرداری شهرهایی نظیر Edmonton [۱۲]، Tucson [۱۳]، Virginia Beach [۱۴]، Durham county [۱۵]، Florida و Petersburg Queensland , Baltimore county[۱۷]، Lismore[۱۶]، Adelaide [۱۷] و بررسی و بازنگری سایت انستیتوی بین‌المللی جرائم (N.I.C.P) [۵]، انجمن بین الملی CPTED (I.C.A) [۶]، روزنامه بین المللی جلوگیری از جرائم از طریق طراحی محیطی (J.C.I) [۷] و شورای ملی جلوگیری از جرائم (N.C.P.C) [۸] بوده است. تلاش گردیده است اطلاعات مورد نیاز جهت تشریح محتوایی رویکرد CPTED در چارچوبی منطقی و نظام وار ارائه گردد.

۲. تعاریف و مفاهیم رویکرد CPTED

رویکرد حاضر را می توان طراحی کارآمد و بکارگیری بهینه کلیه عناصر موجود در محیط مصنوع به منظور کاهش جرائم شهری دانست که به طور مستقیم و غیر مستقیم در ارتقاء کیفیت زندگی و افزایش رضایتمندی شهروندی و بهبود رفاه و سرمایه اجتماعی تاثیر بسزایی دارد [۱۹]. مرکز بین المللی جرائم (NICP,2006) [۵] آن را طراحی و استفاده مناسب از محیط ساخته شده برای کاهش یا جلوگیری از جرائم و بهسازی کیفیت زندگی می داند. روزنامه بین المللی جلوگیری از جرائم *(JCI ,2006)* [۷] توجه به امنیت را مولفه ای اساسی در طراحی فضاهای مصنوع شهر می داند، چرا که احتمال وقوع جرائم و ارتکاب آنها را کاهش می دهد. انجمن بین الملی CPTED (*ICA,2005*) [۶] نیز آن را استفاده هوشمندانه از فضای ساخته شده در جلوگیری از جرائم در فرایند طراحی و برنامه ریزی محیط مصنوع تعریف می کند.

شورای ملی جلوگیری از جرائم (*NCPC,2006*) [۸] نیز به استفاده هوشمندانه از محیط مصنوع در طراحی فضاهای شهری اشاره دارد که می تواند پتانسیل جرم خیزی مناطق را کاهش دهد. تیم کرو (مدیر دپارتمان بین الملی جلوگیری از جرایم از طریق طراحی محیطی) [۲۰] آن را راهی برای تحقق شهری ایمن می داند که از اقدامات پیشگیرانه از طریق طراحی و برنامه ریزی شهری برای کاهش احتمال تجاوز و جرائم شهری، بهره می گیرد و سوزان آجوک (دبیر دپارتمان جلوگیری از جرایم شهری در سطح محله‌ای شهر پترزبورگ) به فرایند پیشگیری قبل از درمان در احتمال وقوع جرائم اشاره می کند و یکی از رسالتهای طراحی شهری و معماری فضاهای شهری را در کاهش پتانسیلهای طبیعی جرم خیزی مناطق می داند. بر این اساس می توان این رویکرد را یک رویکرد ترکیبی در طراحی ساختار کالبدی شهر دانست که از طریق آرایش و طراحی کالبد شهر برای جلوگیری از ارتکاب جرائم و یا کاهش آن بهره می‌برد [۲۱]. بانک جهانی نیز بر این باور است که این روش طراحی، این امکان را فراهم می‌کند که شهروندان، نماینده‌ای کلیدی در ایجاد امنیت خویش باشند که از مشارکت‌سازی اجتماعی در جلوگیری و کاهش جرائم بهره می‌برد.

پت ترلا (۲۰۰۴) سه رکن اساسی پیشگیری از جرم را در حوزه قانون، پیشگیری های اجتماعی و برنامه ریزی و طراحی‌های مناسب محیطی می داند که بدون توجه به آن، نمی توان از جرائم قابل انتظار در محیط کاست[۲۲].

شکل۱. تصویر ۱: ۳ رکن اساسی پیشگیری از وقوع جرم از دید ترلا (۲۰۰۴)

این رویکرد از آن جهت مهم است که باید علاج واقعه را قبل از وقوع کرد و این در حالی است که در اجتماع امروز عمدتا به مجازات و تنبیه پس از وقوع جرائم تاکید می شود. گویی باید جرمی واقع شود تا به جلوگیری از آن اندیشید یا به نقش فضاهای غیر قابل دفاع شهر در این رابطه توجه شود [۲۳].

رویکرد حاضر این امکان را فراهم می‌کند تا با طراحی کالبدی شهر از طریق طرح کالبدی ساختمان و طراحی پلان و دسترسی به سایت‌های جرم خیز، بتوان از ایجاد محیطهای مناسب برای جرم و جنایت، پرهیز کرد تا بعنوان بازدارنده‌ای از ارتکاب جرائم عمل کند. از آنجا که هر مکان شهری محل رفتارهای ویژه شهروندی است و از سویی دیگر تنها محیطهایی جرم خیز محسوب می‌شوند که تحت نظارت عمومی نباشند یا دارای ظرفیت بالقوه‌ای برای ارتکاب جرم داشته باشند[۲۴]، می‌توان از طریق طراحی کالبد شهر یا ساختمانها از ارتکاب جرائم شهری جلوگیری بعمل آورد.

[Downloaded from ijiepm.iust.ac.ir on 2026-09-18]

انواع جرائم درون شهری را جرائم گزارش شده / نشده، جرائم قابل کشف / غیر قابل کشف، جرائم آکاهانه/ غیرآگاهانه و جرائم از پیش تعیین شده/ نشده تشکیل می‌دهد [۲۵] که هر کدام در هنگام وقوع بگونه‌ای به ساخت کالبدی شهر ارتباط دارد، چرا که اگر محیطی برای جرائم فراهم نشود، بسیاری از جرائم بصورت خود بازدارنده کاهش می‌یابند.

این امر از آن جهت مهم می‌نماید که مطالعات اجتماعی نشان می‌دهد که ترس از وقوع جرائم در حال افزایش و احساس امنیت و ایمنی شهروندان در حال کاهش است.

۳. پیشینه، اهداف، حوزه‌ها و مزایای CPTED

در روند تاریخی جلوگیری از جرائم از طریق طراحی محیطی می توان دوره هایی را در نظر گرفت [۲۶] که به اهم آنها در جدول ۱ اشاره شده است. همانگونه که در جدول شماره ۱ آورده شده است تقویت انگیزه‌های اجتماعی جامعه و ارتقاء نظارت عمومی در کنار افزایش شفافیت فضاهای عمومی و عناصر مستقر در محیط‌های شهری و رفع نابسامانی‌های کالبدی و منظر بخشی از ساز و کارهای ایجاد محیط‌های امن شهری را تشکیل می‌دهد.

جدول ۱. پیشینه و سوابق رویکرد در آرای اندیشمندان و بازتابهای جهانی

	پیشینه اقدامات و ملاحظات جهانی در آرای اندیشمندان و صاحبنظران شهری	
دهه ۱۹۶۰	جین جاکوبس [۲۷] در کتاب مرگ و زندگی شهرهای آمریکایی	۱) نیاز به خیابانهای امن در شهر. ۲) جداسازی و تشخیص مکانهای عمومی و خصوصی. ۳) تنوع کاربری و اختلاط آنها در سطح شهر. ۴) استفاده موثر و بازدارنده از حضور عابران پیاده در مناطق شهری برای کاهش احتمال وقوع جرائم.
دهه ۱۹۷۰	رای جفری [۲۸] در کتاب جلوگیری از جرائم شهری با طراحی محیطی و اسکار نیومن [۲۹] در کتاب فضاهای قابل دفاع	۱) کاهش پتانسیل طبیعی جرم خیزی مناطق شهری. ۲) شهروندان باید ببینند و دیده شوند (نظارت عمومی). ۳) شفافیت و در معرض دید قرار گرفتن فضاهای عمومی. ۴) اشتیاق مردم به گزارش و برخورد با تخلفات و جرایم.
دهه ۱۹۸۰	جرج کیلینگ و ویلسون [۳۰] و پل براتینگهام [۳۱] در کتاب جرم شناسی شهری	۱) ارایه تئوری پنجره های شکسته [۳۱] (پنجره های شکسته هستند که فرصت را برای ارتکاب و احتمال وقوع جرائم در سطح شهر فراهم می کنند). ۲) کاهش پتانسیلهای طبیعی جرم خیزی مناطق شهری. ۳) اشاره به نابسامانی طراحی محیط مصنوع. ۴) اشاره و تاکید بر ناکارامدی قوانین و استانداردهای طراحی شهری و معماری. ۵) نقش موانع طبیعی و بازدارنده های موقعیتی در کاهش فرصت دهی برای تجاوزات و جرائم شهری.
دهه ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰	تیم کرو [۲۰] و[۳۲] مسئول برنامه های آموزشی جهانی CPTED در کتاب جلوگیری از جرائم از طریق طراحی محیطی (CPTED)	ارائه استراتژی و روشمندی این رویکرد. برگزاری سری کنفرانسها و همایشهای بین المللی با عنوان CPTED مطابق شرح زیر [۳]: 2006/11th: Calgary/Canada. 2005/10th: Santiago/Chile. 2004/9th: Brisbane/Australia. 2003/8th: Amsterdam/Netherlands. 2002/7th: Calgary/Canada. 2001/6th: Brisbane/Australia. 2000/5TH: Oakland/CA/USA. 1999/4TH: Mississauga/Canada. 1998/3rd: Washington/USA. 1997/2nd: Orland/FL/USA. 1996/1nd: Calgary/Canada.

اهداف رویکرد را می‌توان افزایش امنیت شهری با کاهش جرائم در محیط شهری دانست که ابزاری برای جلوگیری یا کاهش جرائم شهری بشمار می‌رود[۳۳] و از طریق نشان دادن غیر قابل نفوذ بودن محیطهای مصنوع بصورت فیزیکی و کالبدی و با بکارگیری

[Downloaded from ijiepm.iust.ac.ir on 2026-09-18]

دیوارهای غیر قابل نفوذ، پنجره های دو جداره و درهای حفاظ دار، از اقداماتی برای کاهش و جلوگیری از جرائم شهری بهره می‌برد، [۳۴] بگونه‌ای که پتانسیل طبیعی جرم خیزی مناطق شهری را کاهش می‌دهد. برای رویکرد حاضر حوزه‌هایی در نظر گرفته می‌شود که بر اساس بیانیه انستیتوی ملی جرائم به ۲ بخش تقسیم می شود: این دو بخش ابعاد فیزیکی و اجتماعی را شامل می شوند که بر قابلیتهای شهر از بعد فیزیکی و کنترل و بازدارندگی آن در بعد رفتارهای جرم خیزانه مجرمان توجه دارد.

در حوزه قلمروی اجتماعی به بازدارندگی جرائم در رفتارهای شهری مبتنی بر روانشناسی محیطی توجه می‌شود و در حوزه بافت فشردگی و کالبد شهر بازدارندگی جرائم در محیط کالبدی از طریق ضوابط و استانداردهای طراحی بررسی می‌شود. علاوه بر این رویکرد حاضر دارای مزایایی است که از آن جمله می توان به بهبود کیفیت زندگی و افزایش رضایتمندی شهروندی[۸] (*ICA,2005*) و تشویق طبقات اجتماعی در حضور در شهر (NCPC,2006) [۸]، کاهش جرائم شهری و کاهش ظرفیت جرم‌خیزی مناطق شهری (NICP,2006) [۵]، افزایش فعالیتهای اقتصادی و فعالیتهای اجتماعی (JCI ,2006) [۷] و افزایش میزان همکاری محله‌ای و مشارکت [۲-۳] اشاره کرد.

۴. اصول اساسی رویکرد CPTED

بر اساس مستندات، تجربیات و آرای اندیشمندان جهانی در این زمینه، می توان به اصولی اشاره کرد که به عنوان مبانی در طراحی محیطی مورد استفاده قرار می گیرند. بکارگیری این اصول و مفاهیم تمثیلی آن، سهمی اساسی در طراحی محیطی بازدارنده از جرائم دارد که این اصول عبارتند از:

الف: کنترل دسترسی: با استفاده از این اصل می توان میزان دسترسی به مناطقی در شهر که امکان وقوع جرم دارند، را برای مجرمان احتمالی کاهش داد [۲۵]. برای فراهم سازی دسترسی مناسب و کاهش دادن دسترسی مجرمان به مناطق جرم خیز یا مناطقی که پتانسیل طبیعی وقوع جرم را در خود نهان دارند، می‌توان از نظارتهای شهروندان و عابران پیاده یا ساکنان از معابر و مسیرهای دسترسی بهره گرفت که با تعریف شفاف ورودی و خروجی ساختمانهای مسکونی در سایتهای شهری و نوع و چگونگی نورپردازی و نظارت طبیعی بر نحوه دسترسی به سایت ممکن می شود [۶]. از این اصل برای کاهش پتانسیل دسترسی به مناطق برای جرم خیزی و ارتکاب جرم استفاده می شود. در جدول ۲ به برخی اصول پیشنهادی جهانی در این زمینه اشاره شده است.

ب: تقویت قلمروهای طبیعی: قلمرو مفهومی را به ذهن متبادر می‌کند که فضاهای خصوصی را از فضاهای عمومی جدا می کند و بر اساس احساس مالکیت خصوصی شکل می گیرد [۵]. این مفهوم از طریق تقویت احساس و روحیه مالکیت در محیطهای ساخته شده و مصنوع ممکن می‌شود که به ایده چتر (Umbrella Concept) موسوم است[۷].

لازم به یادآوری است که از طریق انگیزانندگی احساس مالکیت و تملک پذیری شهروندی نسبت به محلات و مناطق مسکونی است که حضور بیگانگان و مزاحمان، برای ساکنان با اهمیت می‌شود. به عبارت ساده تر تنها بعد از وجود و القا چنین احساسی در شهروندان و ساکنان شهر است که افراد مزاحم و مجرمان این حق را به خود نمی‌دهند که به حوزه قلمرو فرد دیگری وارد شوند. در جدول ۲ به برخی اصول پیشنهادی جهانی در این زمینه اشاره شده است.

ج: تعمیر و نگهداری: با تعمیر و نگهداری مناسب از مبلمان شهری و تابلوها و علائم شهری و چراغهای روشنایی و محوطه سازی می‌توان علاوه بر بهینه سازی هزینه های شهری، از بالا رفتن ظرفیت مناطق در جرم خیزی کاست[۶]. در جدول ۲ به برخی اصول پیشنهادی جهانی در این زمینه اشاره شده است.

د: نظارت طبیعی: نظارت طبیعی به معنای توانمندسازی محیط شهری از طریق در معرض دید قرار گرفتن و آسانی نظارت است که امکان نظارت بر مناطق شهری را بوسیله شهروندان یا ارگانهای انتظامی فراهم می‌کند. بر این اساس این امکان فراهم می شود که مناطق شهری در معرض دید عمومی قرار گیرند و از ایجاد مناطق غیر قابل نظارت و به اصطلاح *"مناطق کور"* جلوگیری بعمل آورده می‌شود[۳۶]. این امر در طراحی فضای سبز مناطق شهری بایستی مورد توجه باشد تا از ایجاد مناطق کور با حایلهای فضای سبز نظیر بوته‌ها و درختچه‌ها و درختان که امکان نظارت مستقیم را دشوار می‌کند، جلوگیری کرد [۶]. در جدول ۲ به برخی اصول پیشنهادی جهانی در این زمینه اشاره شده است.

و: حمایت از فعالیتهای اجتماعی: منظور این است که این امکان فراهم شود تا برخی فعالیتهای اجتماعی در مناطق شهر ایجاد شود که علاوه بر اشتغال زایی و ایجاد تسهیلات رفاهی بتوان میزان نظارت انسانی را بر مناطق افزایش داد [۳۷]. بسیاری از جرائم شهری در مناطقی روی می دهد که نظارت عمومی کم است و یا انسان حضور فیزیکی ندارد. در این روش تلاش می شود تا نوعی توانمند سازی در فعالیتهای اجتماعی صورت گیرد و در واقع به مناطق شهری و خاصه مناطقی که امکان جرم خیزی در آنها بیشتر است ، فعالیت های اجتماعی و حضور افراد افزوده گردد. در جدول ۲ به برخی اصول پیشنهادی جهانی در این زمینه اشاره شده است.

[Downloaded from ijiepm.iust.ac.ir on 2026-09-18]

	جدول ۲. راهکارها و پیشنهادات اجرایی در اصول مطروحه در رویکرد
تقویت قلمروهای طبیعی	۱) بکارگیری مستمر فضا بوسیله کاربران از طریق راهکارهای طراحی محیطی. ۲) استفاده از تابلوها، علائم و نشانه های بصری از طریق هنر ارتباط تصویری. ۳) افزایش نظارتهای طبیعی و گسترش حس مالکیت از طریق نهادهای اجتماعی. ۴) بکارگیری استراتژیهای بازدارندگی بوسیله ارگانهای برنامه ریزی اجتماعی. ۵) استفاده از محوطه سازی، حفاظ و نرده در طراحی شهر.
کنترل دسترسی	۱) استفاده از موانع مسدود کننده مانند دیوارها، حصار و نرده. ۲) آگاهی بخشی به مردم از مکان ورودیها و خروجی. ۳) استفاده از زیرساختهای شهری مناسب مانند پوشش کف، جداره و محوطه سازی. ۴) نور پردازی مطلوب و کافی بر دروازه ها، ورودی و نوع سیستم دسترسی.
نظارت طبیعی	۱) رعایت استانداردهای مبلمان شهری مانند چراغهای روشنایی و تابلوهای شهری. ۲) التفات به جایگزینی کابری های شهری از طریق برنامه ریزی شهری. ۳) التفات به نحوه دسترسی به اماکن عمومی مانند پارکها و پارکینگهای عمومی. ۴) جای دهی کیوسکهای تلفن و روزنامه فروشی یا دکه های سیار در مناطق جرم خیز. ۵) امکان دهی به حضور انسان با تسهیلات خدماتی برای افزایش نظارت عمومی. ۶) افزایش دید با پوششهای گیاهی و محوطه سازی کم از طریق طراحی منظر شهری. ۷) افزایش امکان دید در جهت گیری ساختمان و مکان پارکینگ در طراحی شهر.
حمایت از فعالیتهای اجتماعی	۱) اصلاح برنامه ریزی فضایی از طریق استفاده کارامد از فضاهای شهری. ۲) ایجاد تراکم در فعالیتهای اجتماعی در مناطق جرم خیز. ۳) قراردهی فعالیتهای اقتصادی خاص در مکانهای همجوار نیروهای انتظامی. ۴) جای دهی فعالیتهای خدماتی در مناطقی که نظارت عمومی کمتری دارد. ۵) جایگزینی فضاهای عمومی در مناطق با دید و نظارت کم.
تعمیر و نگهداری	۱) تعمیر و نگهداری تجهیزات شهری مانند تابلوها و علائم ارتباطی. ۲) حفاظت از آسیب رساندن به تجهیزات شهری مانند حفاظ دار کردن چراغهای معابر. ۳) منظر سازی بر اساس معیارهای افزایش دهنده دید و نظارت عمومی.

۵. راهبردهای CPTED

برای کاهش و جلوگیری از جرائم شهری از طریق طراحی محیطی می‌توان به راهبردهای ویژه‌ای اشاره کرد (*NICP,2005*) [۵] که بوسیله مرکز ملی جلوگیری از جرائم به آنها پرداخته شده است. این راهبردها را می‌توان چنین بیان نمود:

طراحی فضاهای شهری بگونه ای که بتوان از نظارتهای عمومی در فضاهای شهر برای جلوگیری از فعالیتهای نامطلوب اجتماعی استفاده کرد.

۱) تعریف فضاهای کنترل شده در ساختار شهری.
۲) افزایش نظارت طبیعی در معابر و فضاهای شهری.
۳) تعریف مشخص فضاهای عمومی، نیمه عمومی و خصوصی.
۴) آفرینش و یا امکان‌دهی به رفتار های امن در مناطق نا امن شهر.
۵) جلوگیری از مکانهای نا امن در مناطق امن شهری.

بانک جهانی (WB) در راستای تحقق جلوگیری از جرائم از طریق طراحی محیطی برای دولتهای محلی وظایفی را برشمرده است. بر این اساس این امور تنها از طریق نظارت ارگانهای مسئول شهری با همکاری تمامی ساکنین محلی ممکن می‌شود. نگاه راهبردی در این نکته است که تلاش شود تا با توانمندسازی شهروندان محلی یا از طریق ظرفیت سازی محلی (نظیر NGO's; CBO) از طریق شهرسازی مشارکتی به این اهداف نایل شد. بی‌شک هرگونه بهبود در ساختار شهری تنها با نگاه به محلات شهری بعنوان بخشهایی توانمند در تحقق به اهداف افزایش کیفیت زندگی ممکن می شود. می‌توان به برخی نقشهای شهرداری در این راستا اشاره کرد:

۱) نظارت و کنترل و هدایت و هماهنگی.
۲) مشارکت سازی و بهره گیری از توانمندی محله ای.
۳) تهیه نقشه و شناسایی دقیق مناطق شهری خاصه جرم خیز.
۴) حمایت مالی و تعیین استرتژی های راهبردی.

[Downloaded from ijiepm.iust.ac.ir on 2026-09-18]

علاوه بر این بانک جهانی در راستای نقش دولتهای محلی/ شهرداری در جلوگیری از جرائم از طریق طراحی محیطی از رویه‌ای خاص برای بهسازی مناطق شهری استفاده می‌کند که می‌توان آنها را چنین بیان کرد:

۱) تشخیص (Diagnosis): شناسایی و تعیین مناطق جرم خیز و بیان چالشها و ویژگیهای خطرآفرین

۲) طرح کار (Action Plan): توسعه طرحهای محلی (میان / بلند مدت) با اهداف راهبردی.

۳) مدیریت و اجرا (Man& Imp): مدیریت و برنامه ریزی زمانی و تعیین و تامین بودجه و فرایند اجرای طرح.

۴) ارزیابی (Evaluation): ارزیابی بر مبنای اهداف در هنگام اجرا و روشهای مطلوبیت سنجی پروژه.

۶. نگاهی به پیشینه رویکرد حاضر در ایران

راست است که ساختار زبان الگو در شهرسازی سنتی دارای اصول جلوگیری از جرائم از طریق طراحی محیطی است. شهرسازی سنتی مبتنی بر تجارب و غنای فرهنگی_اجتماعی از انسجام و یکپارچگی فضایی در فراهم سازی نظارت‌های عمومی بهره می برده است. ایجاد نظارت شهروندی در سطوح محلات شهر را باید مهمترین اصل در جلوگیری از جرائم از طریق طراحی محیطی دانست چنانچه که هر غریبه‌ای در ساختار محلات قدیمی بوسیله شهروندان شناخته می‌شد و اهل و کسبه محلی نیز، اماکن محل را تحت نظر داشتند. وجود شبگردها و داروغه‌ها نیز در این امر مهم بوده است که در هر حال حاضر هم، در ساختار محلات برخی شهرهای با بافت سنتی دیده می‌شود. علاوه بر این تراکم ساختار شهری و احساس مالکیت مردم بر فضاهای محله نیز به این امر کمک می‌کرده است.

اصل مهم دیگر در شهرهای سنتی ایران ایجاد حریم در منازل مسکونی بوده است، چنانچه علاوه بر حفظ محرمیت از نظارت ساکنان در این امر بهره می‌برده است. ایجاد مشبک_ پنجره‌ها را نیز در این راستا می‌دانند که علاوه بر ایجاد محرمیت و معیارهای زیباشناختی به دید از داخل به خارج امکان می‌داد، در حالی که از دید از خارج به داخل جلوگیری بعمل می‌آورد و مکان قرارگیری پنجره‌ها در ارتفاع بالاتر از ۲/۵ متر، از دید به داخل جلوگیری می‌کرد که این امر در ایجاد محرمیت در وهله نخست و از سوی دیگر، افزایش نظارت ساکنان بر محیط زندگی تاثیر داشته است که بزعم نگارندگان می توانسته است در این امر تاثیر داشته باشد.

با نگاهی به الگوی مساکن سنتی نیز می‌توان اندرونی و بیرونی را در این الگوهای ساخت تشخیص داد. قرارگیری ورودی در گوشه حیاط مرکزی و امکان دید بیشتر بر مسیر حرکتی مهاجمان و متجاوزان احتمالی و طرز قرارگیری اتاقها در گرداگرد حیاط مرکزی که به همه جای منزل امکان نظارت دید می‌داد، از دیگر اصول معماری سنتی بشمار می‌رود که با اصول رویکرد موردنظر تحقیق همخوانی دارد. همچنین بایستی به همجواری خانه‌ها در بافت شهر نیز اشاره کرد. در هر حال به چند اصل اساسی معماری سنتی در جلوگیری از جرائم از طریق طراحی محیطی می‌توان چنین اشاره کرد:

۱ ایجاد اندرونی و بیرونی در منازل و نحوه قرار گیری اتاقها در ایجاد نظارت و کنترل بیشتر.

۲ ایجاد سلسله مراتب دسترسی در مناطق مسکونی و کاهش سهل الوصولی به منازل.

۳ ایجاد خانه ها با حیاط مرکزی، و کنترل و نظارت بر نحوه دسترسی به اتاقهای مسکونی.

۴ افزایش ارتباطات محلی با همسایگان و مشارکتهای در سطح محله ای.

مهمترین اصل جلوگیری از جرائم از طریق طراحی محیطی در شهرسازی سنتی بر افزایش تراکم جمعیتی و تراکم مسکونی از طریق همجواری خانه‌ها در بافت شهری استوار است که امکان نظارت عمومی را بر مناطق تجاری و مسکونی در نحوه دسترسی‌ها در فضاهای شهر، ممکن می‌کرد. مفهوم محله در شهرسازی سنتی جوهره ساختار زبان الگوی شهرسازی سنتی است که علاوه بر افزایش تعاملات اجتماعی، امکان نظارت شهروندان را بر قلمرو های شهر حاصل می‌کرد. این امر نشان از توجه طراحی سنتی معماری و شهری ایران به اصول مطرح شده دارد که هرچند در حال حاضر امکان این‌گونه طراحی ناممکن بنظر می‌رسد ولی نشانگر این امر است که می بایست رعایت اصول جلوگیری از جرائم از طریق طراحی محیطی مورد توجه قرار گیرد و با توجه به شرایط زمان و مکان اقداماتی چند در این راستا صورت گیرد.

۷. جمع‌بندی و نتیجه گیری

گسترش روز افزون جرائم در ساختار کالبدی شهری و عدم توجه معماران و شهرسازان به اصول جلوگیری از جرائم محیطی می طلبد که با رویکردی جدید امکان اجرای اصول CPTED را در هنگام طراحی ساختمان یا ساختار شهری فراهم کرد. این امر از آن جهت مهم است که رعایت این اصول می‌تواند احساس امنیت شهروندان را افزایش دهد که میزان رضایتمندی شهروندی را افزایش می دهد و یکی از طرق افزایش رفاه اجتماعی در شهر بشمار می آید. شهرسازی و معماری سنتی ایران نیز در ادبیات خویش دارای دستور زبان الگو یی است که نحوه استفاده از این اصول در آن دیده می شود. بر این اساس باید تلاش شود که راهبرد و اصول CPTED در روند طراحی معماری و یا طراحی شهری بکار گرفته شود و جنبه اجرایی بخود گیرد. در راستای راهکارهای اجرایی در طراحی شهری و معماری می بایستی مواردی چند مورد توجه قرار گیرد که بکارگیری آنها در رویه طراحی و مراحل ساخت و اجرا، می‌تواند با کاهش ظرفیت‌های جرم خیزی مناطق امکان ساماندهی و شکل گیری یک شهری ایمن را فراهم آورد:

[Downloaded from ijiepm.iust.ac.ir on 2026-09-18]

الف) تقویت قلمروهای طبیعی: در این راستا می توان با تقویت احساس مالکیت مردم نسبت به شهر و محلات شهری، این امکان را فراهم کرد تا شهروندان دریابند که شهر به آنها تعلق دارد و باید برای افزایش ایمنی و امنیت آن کوشا باشند.

ب) کنترل دسترسی: باید در طراحی سایت مکان یابی و نحوه دسترسی و ورودیها و خروجیهای سایت، تلاش شود تا نوعی شفافیت و تعریف پذیری خاص در سایت و خاصه ورودیها و خروجیها، بوجود آید تا امکان نظارت همگانی و در معرض دید قرار گیری فراهم شود.

پ) نظارت طبیعی: در این راستا بنظر می‌رسد که می بایستی امکان نظارت مستقیم شهروندان بر فضاهای شهری ممکن شود و از ایجاد محیط‌های کور و دور از دسترس همگان که پتانسیل جرم خیزی مناطق را افزایش می‌دهد، جلوگیری بعمل آورد.

ت) حمایت از فعالیت‌های اجتماعی: با ایجاد و طراحی فعالیت‌های اجتماعی در مکانهای برخوردار از پتانسیلهای جرم خیزی می‌توان میزان نظارت مردمی بر این مناطق را افزایش داد تا این مناطق با برخورداری از رفت و آمدهای مردمی _ چه پیاده و چه بصورت سواره_عرصه‌ای برای تعاملات اجتماعی و نظارت شهروندی گردند.

ث) تعمیر و نگهداری: با تعمیر و نگهداری مبلمان و تجهیزات شهری و خاصه زیرساختهای شهری می‌توان از طریق حمایت از نظارتهای طبیعی و شکل دهی به قلمروهای طبیعی و امکان سازی حمایت از فعالیتهای اجتماعی می‌توان میزان پتانسیلهای جرم خیزی مناطق را کاهش داد و امکان نظارتهای شهروندی بیشتر را افزایش داد. همچنین در شرایط فعلی ایران نیز با توجه بیشتر به آنچه شرح آن در ادامه می‌آید، می‌توان میزان جرایم شهری را با توجه به موارد زیر، کاهش داد:

- **آموزش معماری و شهرسازی:**

از آنجا که جلوگیری از جرائم شهری در طراحی معماری و شهری مورد توجه قرار نمی‌گیرد، می توان دریافت که دلیل این امر را باید در عدم آموزش اصول جلوگیری از جرائم در طراحی محیطی دانست. این امر می‌طلبد تا اساتید دانشگاهی این مفهوم را در طراحی و آموزش معماری وطراحی دانشجویان مورد توجه قرار دهند و در صورت امکان واحدی درسی را برای آموزش و ارزیابی مفاهیم و استراتژیهای *CPTED* و امنیت شهری و محیطی در نظر بگیرند.

- **مقررات ملی ساختمان:**

می توان به این نکته اشاره کرد که در بسیاری از کشورها آیین نامه و مقرراتی برای رعایت اصول جلوگیری از جرائم در طراحی محیطی وضع شده است. بر این اساس می بایست آیین نامه ای در چارچوب مباحث مقررات ملی ساختمان تدوین شود تا همگان ملزم به رعایت اصول مربوطه گردند.

- **روند طراحی شهری و معماری:**

از آنجا که روند طراحی معماری و ساختار شهری می بایستی جلوگیری از جرائم شهری از طریق طراحی محیطی و خلق مناطق شهری دارای پتانسیل جرم خیزی را مدنظر قرار دهد بنظر می رسد که معماران و شهرسازان باید در رویه طراحی در مراحل طراحی پلان و مکان یابی و طراحی سایت یا ساختمانهای مسکونی این امر را مورد توجه قرار دهند.

- **تقویت فضاهای فرهنگی-اجتماعی:**

در این راستا می توان از طریق ایجاد و بهره برداری مناسب از فضاهای فرهنگی ایجاد شده در مناطق شهری و محلات شهر، تلاش کرد تا مردم به فضا و مکان زندگی خویش توجه بیشتری داشته باشند. این امر تنها زمانی ممکن است که مردم بخواهند بپذیرند که شهر نیز مانند منزل مسکونی به آنها تعلق دارد و در صورت توجه بیشتر انها است که می توان در طی یک حرکت عمومی و همگانی، امکان افزایش نظارت و کاهش قابلیت جرم خیزی را فراهم آورد.

- **مشارکت سازی اجتماعی:**

لازم به ذکر است که تنها با مداخله مردم و شهروندان در فرایند برنامه ریزی شهر در رویکرد شهرسازی مشارکتی است که می توان انتظار بهبود در وضعیت فعلی را داشت. براستی چرا مردم نسبت به شهر خود چنین بی تفاوت می شوند؟ آیا نمی توان از طریق دخیل کردن ایشان در فرایند تصمیم سازی و تصمیم گیری حداقل در سطوح محله ای، این احساس را در ایشان بوجود آورد که شهر و بالاخص محله‌ای که در آن زندگی می‌کنند، به آنها تعلق دارد و تفاوت قابل ملاحظه‌ای بین منازل مسکونی و محله آنها وجود ندارد یا حداقل نباید وجود داشته باشد. در هر صورت ایشان باید بپذیرند که تنها در صورتی امکان افزایش امنیت در محلات مسکونی فراهم می شود که خودشان به صحنه مدیریت محله ای وارد شوند و دوری و اجتناب و بی تفاوتی به محلات شهری که هم اکنون در پیش گرفته اند، جز وخیم کردن اوضاع اثر دیگری ندارد.

- **فرهنگ سازی اجتماعی:**

از طریق فرهنگ‌سازی نیز می توان دیدگاه جاری مردم را نسبت به فضاهای عمومی شهری و مناطقی که در آن زندگی می‌کنند، تغییر داد و حتی آن را اصلاح کرد. **رویکردهای فرهنگ مدار** در سطوح مدیریتی ایران نیازمند مدارا و صبر بیشتری برای دستیابی به نتیجه مورد نظر هستند، چرا که تغییر باورها، عادات و عقاید یک ساختار اجتماعی در کوتاه مدت میسر نمی شود و می بایستی به حرکتهای

[Downloaded from ijiepm.iust.ac.ir on 2026-09-18]

بلند مدت/میان مدت اندیشید. در هر صورت باید مردم بپذیرند که تنها خودشان هستند که می‌توانند با مساعی و مشارکت بیشتر در طی حرکتهای عمومی به بهبود ساختار بپردازند. البته نقش ارگانها و نهادهای تامین اجتماعی هم در این میان مهم است، چنانچه در **طرح افزایش امنیت اجتماعی** که مدتی است شروع شده و ادامه دارد، دیده شد که بعد از مدتی که ترس شهروندان از اراذل و اوباش کاهش یافت و در واقع مردم به نتیجه عملی این اقدامات امیدوار شدند، شروع به فعالیت کرده و همکاری و مشارکت عمومی گسترده‌ای بوجود آمد که نشان از این امر دارد که در صورت برنامه ریزی درست و بهینه، می توان انتظار مشارکت مناسب مردم را داشت.

- **تدوین دستورالعلهای طراحی فضاهای کالبدی:**

شایان ذکر است حجم و فاصله میان ساختمانها (توده ها در فضا)، مسیرها و کریدورهای بصری، قرارگیری محل دسترسی به سایتها و مجتمع های مسکونی، نحوه دسترسی همگانی و حتی مکان یابی و استقرار کاربریها در شهر در میزان و نوع جرمی که احتمال دارد در آنها یا بواسطه آنها، امکان وقوع یابد، تاثیر دارد. بنابراین لازم است که آیین نامه و اصول طراحی کالبدی فضاهای شهری و مسکونی در رابطه با حجم ساختمانها و فاصله و نسبت میان آنها و ... ، تدوین شود. این امر در سایر کشورها و شهرداری / حکومتهای محلی واقع در آنها صورت گرفته است. در ایران این معیارهای طراحی باید با توجه به شرایط فرهنگی و مقتضیات اجتماعی و روانشناختی شهروندان ایرانی مود تدوین قرار گیرند، چراکه نمی‌توان بدون توجه به شرایط و اقتضائات فرهنگی یک سرزمین، نسبت به طراحی اماکن و فضاها پرداخت که لزوم در دستور کار قرارگیری این امر در ارگانها و نهادهای مربوطه لازم بنظر می رسد و نمی‌توان تنها با ارجاع به یک متخصص یا تعمیم آن به کل مردم، در این رابطه نظر مشخص و جامعی داد.

امید که تدوین چنین دستورالعملهایی در سطح ملی بعنوان یک مقرارت ملی کلی و در سطح شهرداریهای هر منطقه در سطح محلی برای انطباق بیشتر این معیارها و مولفه‌ها و ضوابط طراحی با خصوصیات و ویژگیهای رفتاری ساکنان آن شهرستان، مورد توجه مسئولین و نهادهای وابسته قرار گیرد.

۸. مراجع

[1] www. NICP.net,

[2] www.CPTED.net

[3] www.CPTEDONTARIO.ca

[4] Www. NCPC.org

[5] Gronland, B., "*Towards the Humans City for the 21st Century*"; Stockholm, 2000.

[6] Cozens, P., D.Hiller, G., Prescott, *"Crime and the design residential Property–Exploring the Theoretical Background"*; Journal of Property Management,Vol.19,Issue 2, 2001, PP 136-164.

[7] Wekerle, M., Whitzman, R., *"Safe Cities: Guidelines for Planning, Design and Management*"; Van Nostrand Reinhold, USA, 1995.

[8] Wilson, J.Q., Knelling, G.L., *"Making Neighborhoods Safe"*, the Atlantic Monthly, February 1989, PP. 46-52.

[9] Geason, S., Wilson, P.R., *"Designing out Crime*", Australian Institute of Criminology, Canberra, 1989.

[10]Crime Information Analysais Centre, Crime Statistiques [on-line]: http://www.saps.org.za /8_crimeinfo /bulletin/index.htm, ISS, 2001, Ned bank Isis Crime Index, Volume 5 2001, Number 1, January–February. [online]: http://www.iss.co.za/Pubs/Crime%20Index/No.%201%202001/World.html, 2000.

[11] Napier, M., du Plessis, C., Liebermann, S., Kruger, T., Shaw, M., Louw, A., Oppler, S., *"Environmental Design for Safer Communities in South Africa"*, Pretoria: CSIR, 1998.

[12] City of Edmonton Planning and Development Design Guide for a Safer City", No. 1-17, 3, Edmonton 1995.

[13] City of Tucson, Development Standard"; No. 2-14.0, Crime Prevention through Environmental Design, 2003.

[14] City of Virginia Beach CPTED Committee,*"CPTED - General Guidelines for Designing Safer Communities*", Virginia Beach, Virginia, 2000.

[15] City of Durham County, *CPTED: Durham Guide to Creating a Safer Community"*; Durham County, North Carolina, 2004.

[16] Government of South Australia, *"Crime Prevention through Environmental Design and Urban Design*"; Adelaide, Australia, 2002.

[17] Office of Planning, Baltimore County, Comprehensive Manual of Development Policies";, Division VI, Section H (CPTED). Baltimore County, Maryland, 2000.

[18] Lismore City Council Development Control Plan"; No. 43 – CPTED, Lismore, Australia, 2000.

[19] Crowe, T.D., "*Crime Prevention Through Environmental Design*", Stoneham, MA: Butterworth-Heinemann, 2000, PP.87_95.

[20] Dan Fleisher and Fred Heinemann, *"Crime Prevention Through Environmental Design and Community Policing*", Washington, DC: US Department of Justice, August 1996, PP.34_41.

[21] Petrella, Laura *"Urban Space and Security Policies: Between Inclusion and Privitilization*"; UN Habitat; WUF, Barcelona, Spain, 2004.

[22] _B. Poyner, *"Design against Crime: beyond Defensible Space";* London: Butterworth's, 1983.

[Downloaded from ijiepm.iust.ac.ir on 2026-09-18]

[23] Plaster, S., Carter, S., *Planning for Prevention: Sarasota, Florida's Approach to CPTED*, Florida Criminal justice Executive institute, Tallahassee, Florida, 1993.

[24] National Crime Prevention Council (U.S.), Designing Safer Communities"; CPTED Handbook, NCPC (U.S.), Washington D.C, 1997.

[25] Meyer, T. & Qhobela, M., *"The History of Crime Prevention Through Environmental Design: A Comparative Study"*. Pretoria: CSIR, 1998.

[27] Jacobs, J., *"The Death and Life of Great American Cities"*, New York, NY: Vintage Books, 1961.

[28] Jeffery, C.R., *"Crime Prevention through Environmental Design"*, Beverly Hills, CA: Sage Publications, 1971, PP.54_87.

[29] Newman, O., *"Defensible Space: Crime Prevention Through Environmental Design*"; New York, And NA: Macmillan, 1972.

[30] P.J., Bran Ingham, P.L., ed., Environmental Criminology", Beverly Hill, CA: Sage, 1981, PP..45_67.

[31] Wilson, J.Q., Knelling, G.L., "*Broken Windows*"; The Atlantic Monthly, March 1982, PP. 29-38.

[32] Crowe, T., *Advanced Crime Prevention through Environmental Design*"; (Seminar notes), American Crime Prevention Institute, Louisville, Kentucky, 2003, PP..33_67

[33] Smith, M.S., *"Crime Prevention Through Environmental Design in Parking Facilities*"; Washington, DC: US, Department of Justice, National Institute of Justice, 1996, PP. 87_97.

[34] Smith, M.S., *Crime Prevention through Environmental Design in Parking Facilities*, National Institute of Justice, Washington D.C, 1996.

[35] Kruger, T., Meyer, T., Napier, M., Pascolo, E., Qhobela, M., Shaw, M., Oppler, S., Niyabo, L., Louw, A., *Safer by Design–Towards Effective Crime Prevention Through Environmental Design in South Africa*, CSIR, Pretoria, 1997.

[36] Landsman, K, *An Overview of Enclosed Neighborhoods in South Africa*, CSIR, Pretoria, 2000.

[37] Designing Safer Communities: Crime Prevention through Environmental, Design Handbook, (National Crime Prevention Council, 2003, (www.ncpc.org)

[38] Kruger, T., Landsman, K., Liebermann, S., *"Designing Safer Places: A Manual for Crime Prevention Through Planning and Design"*, Pretoria: The South African Police Service and the CSIR, 2001.

[39] Timothy, D., Crowe, *"Crime Prevention through Environmental Design"*, National Crime Prevention Institute, 2000, PP. 46_74.

[40] Napier, M., du Plessis, C., Liebermann, S., Kruger, T., Shaw, M., Louw, A., Oppler, S., "*Environmental Design for Safer Communities, CSIR*, Pretoria, 1998.

[Downloaded from ijiepm.iust.ac.ir on 2026-09-18]